روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۰ ■ ۵ ربیع‌الاول ۱۴۳۳ ■ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۲ ■ سال چهارم ■ شماره ۸۲۸ ■ ۱۲ صفحه ■ ۲۰۰ تومان

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.4 ■ No.828 ■ Sun. Jan.29, 2012 ■ ISSN:2008-2886

آغاز همایش بین‌المللی «جوانان و بیداری اسلامی»

ولایتی: ترکیه متوجه اشتباه خود در قبال سوریه شده است

صفحه ۳

سخنگوی شورای نگهبان اعلام کرد

افزایش ۱۷ درصدی تأیید صلاحیت کاندیداها

صفحه ۳

پیش‌نویس طرح ۲ فوریتی مجلس برای ممنوعیت صادرات نفت به اروپا

ایران اتحادیه اروپایی را تحریم می‌کند

صفحه ۲

عکس یاسر خدیشی، وطن امروز

تیترهای روز

اعضای سازمان یونسکو در نامه‌ای خطاب به مدیر کل این سازمان:

ترور شهید روشن را محکوم کنید

■ هر گونه اقدام خشونت آمیزی که افراد بیگناه را خاموش و توسعه کشورهایشان را با مانع روبه‌رو می‌کند محکوم کنید تا چنین اقداماتی دوباره تکرار نشود

صفحه ۳

رئیس کل سازمان امور مالیاتی:

۷۵۰۰ بدهکار مالیاتی ممنوع‌الخروج شدند

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور از ممنوع‌الخروج شدن ۷ هزار و ۵۰۰ نفر به دلیل بدهی مالیاتی خبر داد و گفت: پرونده مالیاتی گروه آریا به دادگاه ارائه شده است. علی عسکری در نشستی خبری به مناسبت فرارسیدن دهه فجر، از ممنوع‌الخروج شدن ۷ هزار و ۵۰۰ نفر به دلیل بدهی مالیاتی خبر داد و گفت: فهرست این افراد مرتب در حال تغییر است، چون عده‌ای اضافه می‌شوند و...

صفحه ۵

به دلیل خرید تجهیزات آزمایشگاهی

استاد دانشگاه شریف در آمریکا بازداشت شد

صفحه ۲

سفرنامه انگلستان

گذر از ۴ مرحله

ابراهیم کاشانی*

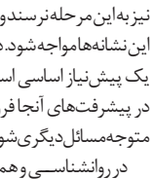

مطلب ذیل سرآغاز نگارش یک سفرنامه است که به صورت سلسله نوشته‌های تحلیلی هر هفته منتشر خواهد شد. این سفر البته سفر بدیعی نیست بلکه گزارش یک سفر چندساله به غرب است که به منظور ادامه تحصیل در مقطع دکترا در انگلستان انجام گرفته است اما نگارش آن احیانا به گونه‌ای متفاوت است و شاید چنین روایتی به شکل ذیل تاکنون به صورت مکتوب و در عرصه عمومی بیان نشده باشد. به بیان کلی، می‌توان تجربه و برداشت از زندگی در غرب (که البته در این باره خاص صرفا کشور انگلستان است) را در ۴ مرحله مدل کرد؛ مرحله اول تقریبا برای هر گونه سفری به غرب صادق است، چه سفر ۳ روزه چه سفر ۳۰ ساله و آن همانا دیدن پیشرفت‌های تکنولوژیک و نظم‌های اجتماعی است که بر اینگونه جوامع حاکم است که به نوعی جلوه بیرونی و ظاهری تمدن جدید را به رخ می‌کشد. از این رو چه بسا افراد پرشماری باشند که در نتیجه سفرهای کوتاه‌مدت تفریحی، کاری یا علمی با یک برداشت بسیار مثبت از تمدن غربی که ریشه در دیدن نظم اجتماعی و پیشرفت‌های تکنولوژیک آنان دارد، به وطن بازمی‌گردند.

در مرحله دوم که عمدتا برای کسانی رخ می‌دهد که حداقل بین ۲ تا ۶ ماه در آنجا زندگی کرده‌اند، کم کم نشانه‌هایی می‌تواند بروز کند که این نشانه‌ها حاکی از وجود یکسری مسائل دیگر در بطن این پیشرفت‌ها و نظم اجتماعی است. البته باید توجه کرد اشاره به بازه زمانی صرفا به منظور تقریب ذهن است و شاید اشخاصی در طول ۶ ماه نیز به این مرحله نرسند و شاید شخصی در طول ۲ هفته با این نشانه‌ها مواجه شود. دیدن این نشانه‌ها عمدتا نیازمند یک پیش‌نیاز اساسی است؛ باید فضای مجذوب شدن در پیشرفت‌های آنجا فروکش کند تا ذهن انسان کم کم متوجه مسائل دیگری شود.

در روانشناسی و همچنین در فلسفه این نکته نشان داده شده که ذهن عمدتا متوجه مسائلی می‌شود که به دنبال آنهاست یا از پیش درباره آنها دانش و اطلاعاتی دارد. مثلا وقتی ۲ نفر، یک مهندس ساختمان و یک متخصص علوم اجتماعی، به مکانی جدید وارد می‌شوند، مهندس عمدتا ساخت و ساز، سازه‌ها، مصالح به کار رفته و ساختمان‌ها را مدنظر قرار می‌دهد در حالی که عالم علوم اجتماعی طبیعتا بیشتر متوجه روابط میان انسان‌ها، نحوه رفتار آنها و مسائلی از این جنس است. بنابراین هر شخصی بنا به مسائلی که در ذهن وی است، در ابتدا درگیر یکسری جلوه‌های غرب می‌شود و مدت زمانی نیاز است تا این دغدغه‌های اولیه فروکش کند و آنگاه حسگرهای ذهنی و فکری کم کم متوجه سایر نشانه‌ها شود.

البته همیشه اینگونه نیست و در این میان استثنائاتی وجود دارد و آن افرادی هستند که از اول با یک ذهنیت کاملا منفی وارد فضای جامعه غربی می‌شوند و از این رو تلاش دارند هر نشانه و پدیده‌ای را به صورت منفی تعبیر کنند و از این طریق جامعه غرب را مورد تخطئه قرار دهند اما در باره این دسته افراد نیز، گذشت زمانی مشابه نیاز است تا از این فضا خارج شوند و کم کم بتوانند فارغ از ذهنیت منفی اولیه با خود جامعه غرب ارتباط برقرار کنند و از این رو نشانه‌های جدیدی را مشاهده کنند. درباره این دسته افراد، احیانا قضاوت‌های منفی اولیه کم کم جای خود را به قضاوت‌های واقع‌بینانه‌تر می‌دهد.

مرحله سوم برای اشخاصی است که بین ۶ ماه تا تقریبا ۲ سال در آنجا اقامت دارند. این افراد فرصت این کار را دارند که به بررسی و اکتشاف بیشتر نشانه‌هایی از بطن جامعه غربی که در مرحله قبلی برای آنها آشکار شده بپردازند اما لزوما همه افراد این کار را انجام نمی‌دهند و چه بسا افرادی که حتی سالیان سال در آنجا زندگی کرده‌اند اما از مواجهه با بطن جامعه غربی ابا داشته‌اند لذا وارد مرحله تحلیل و شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر نشده‌اند. از این دست افراد می‌توان به دانشجویان فراوانی اشاره کرد که صرفا در یک محیط آکادمیک زندگی کرده‌اند و کار آنها حضور در دانشگاه از صبح تا شب و سپس استراحت در منزل بوده است و از این رو به بررسی و اکتشاف بطن جامعه غربی نپرداخته‌اند. چنین بررسی و اکتشافی نیازمند ورود به عرصه‌های مختلف زندگی نظیر محیط کار، محیط درس و مدرسه کودکان، حضور در جامعه از طریق درگیر شدن با سیستم بهداشت، پلیس، ترافیک و حمل و نقل (از طریق خرید ماشین و رفت و آمد از این طریق) و در مرحله بعدی احیانا تجربه آشنایی و دوستی با افراد مختلف این جامعه است.

در نهایت مرحله چهارم مرحله جمع‌بندی و تحلیل و سپس بیان واقعیت‌هاست. چه بسا افرادی که مرحله سوم را گذر کرده‌اند اما در مرحله تحلیلی، تلاش در توجیه بسیاری از واقعیت‌ها می‌کنند یا بنا به مصالح مختلفی، از بیان این واقعیت‌ها ابا دارند و از این رو هنگام ارائه تصویری از جامعه غربی، با اینکه مسائل مختلف را لمس کرده‌اند، همواره از بیان مسائلی که در بطن جامعه می‌گذرد دوری می‌کنند یا به گونه‌ای مسالمت‌آمیز برخی نکات را بیان می‌کنند و سپس از کنار آن می‌گذرند. و البته کم نیستند اشخاصی که به تحلیل مشخصی می‌رسند و در مجامع مختلفی نیز این تحلیل‌ها را بیان می‌کنند و به واقعیت‌ها اذعان می‌کنند اما شاید در این میان، نتوان مواردی پیدا کرد که این تحلیل‌ها را ممکتوب کنند. سلسله نوشته‌های یادشده آغاز یک سفر ذهنی اما واقعی به غرب است. از لحظه ورود، وضع ذهنیت‌ها در تقابل با واقعیت را بیان می‌کند و به بررسی جنبه‌های مختلف آن با مثال‌های واقعی می‌پردازد و گذار از این ۴ مرحله را به تصویر خواهد کشید.

*فارغ‌التحصیل دکترا از «برایتون» انگلیس

اخبار

برگزیدگان جشنواره مطبوعات مشخص شدند

دبیر هجدهمین جشنواره مطبوعات و خبرگزاری‌ها گفت: احتمالا اختتامیه جشنواره پس از دهه فجر برگزار می‌شود و اسامی نفرات برتر در این مراسم اعلام خواهد شد. به گزارش فارس، یوسف غروی قوچانی دبیر هجدهمین جشنواره مطبوعات و خبرگزاری‌ها با اعلام این خبر اظهار داشت: داوری نهایی آثار راه یافته به بخش نهایی هجدهمین جشنواره مطبوعات و خبرگزاری‌ها در تاریخ ۶ بهمن با حضور اعضای هیات داوران بخش نهایی انجام شد. وی با بیان اینکه داوری بخش نهایی با حضور ۹ داور این بخش ۸ ساعت به طول انجامید، خاطرنشان کرد: در جلسه داوری نهایی، هر یک از داوران به آثار راه یافته به بخش نهایی، امتیاز مدنظر خود را دادند که سرجمع امتیازات هر اثر، نفرات اول تا سوم در هر بخش را مشخص می‌کند. دبیر هجدهمین جشنواره مطبوعات و خبرگزاری‌ها تصریح کرد: در داوری نهایی آثار، هر اثر با یک «کدویژه» مشخص شده بود و هیات داوران بخش نهایی بدون اطلاع از نام صاحب اثر و رسانه مربوط، اقدام به داوری و دادن امتیازات خود کرد. وی با بیان اینکه ظرف یک هفته آینده با برگزیدگان نهایی جشنواره هجدهم مطبوعات و خبرگزاری‌ها تماس گرفته می‌شود، یادآور شد: نفرات برتر که با آنها تماس گرفته می‌شود در صورتی که به صورت اینترنتی اقدام به شرکت در جشنواره کرده‌اند باید اصل آثار خود به‌علاوه شرح مختصری از خود را برای چاپ در کتاب جشنواره برای دبیرخانه ارسال کنند.

◆◆◆

اعتراض خانواده سیاف‌زاده به دروغ‌پردازی ضدانقلاب

گروه سیاسی: خانواده احمد سیاف‌زاده با صدور اطلاعیه‌ای به سوءاستفاده ضدانقلاب از نام این ایثارگر انقلاب اسلامی، اعتراض کردند. به گزارش فارس، خانواده مرحوم احمد سیاف‌زاده در واکنش به برخی سوءاستفاده‌ها از فوت این یادگار دفاع مقدس اطلاعیه‌ای صادر کردند. در ابتدای این اطلاعیه با تشکر از حضور امت حزب‌الله و شهیدپرور در مراسم تشییع پیکر این بزرگوار تاکید شده است که خون این عزیزان چراغی دیگر در روشن‌تر شدن مسیر راه نظام در سایه ولایت است. این اطلاعیه می‌افزاید: رسانه‌های بیگانه و معاندان داخلی و خارجی بدانند با جوسازی‌ها نمی‌توانند خون این یادگار دفاع مقدس را در راستای اهداف شوم خود به‌کار گیرند. خانواده این رزمنده ۸ سال دفاع مقدس در ادامه این اطلاعیه تصریح کرد: افتخار سیاف‌زاده و خانواده‌اش پیروی از امام خمینی(ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای از ابتدای انقلاب تا به امروز بوده است. در این اطلاعیه همچنین با تاکید بر این نکته که خون ایثارگران انقلاب اسلامی مردم را به نظام و انقلاب علاقه‌مندتر می‌کند، تصریح شده است: خون این یادگاران انقلاب مسیر راه حق را به مردم نشان می‌دهد. در پایان این اطلاعیه خطاب به معاندان داخلی و خارجی تاکید شده است که ضدانقلاب هیچگاه نمی‌تواند از خون یادگاران انقلاب و ۸ سال دفاع مقدس که همواره ولایی بوده و برای ولایت از جان خویش گذشتند به نفع اهداف شوم خود بهره ببرد.

تحلیل/بخش نخست

فتنه ۸۸ در بعد بین‌الملل چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟

ضدگفتمان ام‌القری

حسین میزان

رخدادهای انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۸ و از آن مهم‌تر حماسه ۹ دی را باید نقطه عطفی بسیار مهم در تاریخ سیاسی ایران و حتی منطقه دانست که معادلات حاکم را به نحوی غیرقابل پیش‌بینی تغییر داد و نه‌تنها تضعیف جمهوری اسلامی ایران را سبب نشد که عملا کشور را در برابر اینگونه فتنه‌ها واکسینه کرد و مهم‌تر از آن مدلی قابل اتکا برای مقابله با فتنه‌های داخلی و خارجی به ملت‌های منطقه ارائه کرد؛ مدلی که هم اکنون توسط انقلابیون در کشورهای میزبان بیداری اسلامی به کار بسته می‌شود و به واقع راهکاری مناسب برای مقابله با فتنه‌هایی محسوب می‌شود که می‌کوشند در مسیر انقلاب خلل یا انحراف ایجاد کنند.

در جریان فتنه بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۸ ایران، همه تحلیلگران سیاسی متفق‌القول بر این باورند که کشورهای غربی و عربی با حمایت‌های گسترده سیاسی و لجستیکی می‌کوشیدند با ایجاد انحراف در جریان انقلاب اسلامی، روند بازی را به نفع فتنه‌گران داخلی تغییر دهند. ایالات متحده و رژیم سعودی از فعال‌ترین بازیگران غربی و عربی محسوب می‌شدند که حتی پیش از کلید خوردن جنجال‌های انتخاباتی از برخی کاندیداها حمایت می‌کردند و در جریان حوادث پس از انتخابات هم نقشی محوری در حمایت از آشوبگران ایفا کردند.

در این میان تا حد زیادی به استراتژی‌ها، راهبردها و اهدافی که این بازیگران خارجی در عرصه سیاست داخلی ایران دنبال می‌کردند، پرداخته شده و اهداف آنها برای تاثیرگذاری بر محیط داخلی غالبا در قالب نظریه‌هایی نظیر انقلاب‌های نرم و مخملین، تئوریزه شده است اما بررسی استراتژی آنها برای تاثیرگذاری بر محیط خارجی سیاست جمهوری اسلامی ایران تا حد زیادی مغفول مانده است؛ استراتژی‌ای که هدف اعتبارزدایی از جمهوری اسلامی را در میان ملت‌ها دنبال می‌کرد و می‌کوشید وجهه و پرستیژ ایران را در نظام بین‌الملل زیر سوال برده و حتی دگرگون کند.

با این نگاه محدود کردن توطئه‌های خارجی در جریان فتنه ۸۸ تنها به ابعاد داخلی، نوعی نگاه تقلیل‌گرایانه تلقی می‌شود که همه ابعاد استراتژی بازیگران خارجی درباره جمهوری اسلامی ایران را آن‌طور که باید و شاید نشان نمی‌دهد. این ضرورت سبب شده در این نوشتار به راهبردهای بازیگران خارجی تاثیرگذار در جریان فتنه بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

به واقع فرضیه ما ناظر بر این است که بازیگران خارجی در جریان فتنه ۸۸ تلاش داشتند از طریق تاثیرگذاری بر ۳ عامل مهم شامل دکترین‌های حاکم بر سیاست خارجی، اصول سیاست خارجی و ابزارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجهه و پرستیژ کشور را در میان مردم منطقه تخریب کرده و به چالش بکشند و با تضعیف بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی، ایران را به کشوری منزوی در جامعه جهانی بدل کنند لذا در این پژوهش سعی بر آن است نشان دهیم رخدادهای پس از انتخابات ۸۸ نظیر درگیری‌های خیابانی، پروژه کشته‌سازی، استفاده از اسم رمز تقلب، حوادث ۱۳ آبان، روز قدس، عاشورا و توهین به امام و رهبری در همین قالب قابل ارزیابی است و این توطئه‌ها علاوه بر تاثیرگذاری بر سیاست داخلی هدف تاثیرگذاری بر سیاست خارجی را هم دنبال می‌کرده است. فتنه‌گران داخلی و خارجی با استفاده از این حربه‌ها به دنبال خلع سلاح دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل بودند و می‌کوشیدند ابزارها و اهداف سیاست خارجی کشور را ناکارآمد و دروغین جلوه دهند.

به واقع بازیگران خارجی که در جریان فتنه ۸۸ دخالت داشتند، به دنبال آن بودند که هجمه خود را بر ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متمرکز کنند؛ ارکانی که از بدو پیروزی انقلاب نصب‌العین دستگاه دیپلماسی کشور قرار گرفته و در همه مقاطع دنبال شده و جمهوری اسلامی سیاست خارجی خود را بر مبنای گفتمان‌های یادشده بنا کرده است. در حقیقت در این دوران شاهد تقابل غرب با ۳ بخش مهم از سیاست خارجی جمهوری اسلامی بودیم.

نخستین تقابلی که مشهود بود، تقابل بازیگران خارجی با دکترین‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود. این دکترین‌ها به تنهایی یا مشترکا در مقاطعی گفتمان غالب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی محسوب می‌شدند. بازیگران خارجی تلاش داشتند با هجمه به این گفتمان‌ها کشور را در حوزه سیاست خارجی با نوعی خلأ گفتمانی مواجه کنند. دومین تقابلی که در آن مقطع مشهود بود، تقابل با اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بود؛ اصولی که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی هیچگاه کشور حاضر به عقب‌نشینی از آنها نشده بود، نه در لفظ که در عمل زیر سوال می‌رفت. اما در سومین تقابل تلاش شده بود ابزارهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران تخریب شود و فرآیندی شکل گیرد که در نهایت به خلع سلاح ایران در عرصه سیاست خارجی منجر شود. ناگفته پیداست که تلاش برای هدایت سیاست خارجی در نظام بین‌الملل بدون برخورداری از ابزارهای لازم کوششی بیهوده و عبث تلقی می‌شود که راه به جایی نخواهد برد. در صورتی که دکترین‌ها، اصول و ابزارهای سیاست خارجی کشوری زیر سوال رفته و اعتبار خود را از دست بدهد، این کشور در نظام بین‌الملل عملا به کشوری منزوی و کاملا منفعل در عرصه سیاست خارجی تبدیل می‌شود.

۱- تقابل با دکترین‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اساسا هر کشوری می‌کوشد در عرصه سیاست خارجی خود از دکترین‌های مختلفی استفاده کند که این دکترین‌ها خط‌مشی سیاست خارجی آن کشور را در مسیر کسب منافع ملی تعیین خواهند کرد. در ایران نیز در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و در شرایط مختلف گفتمان‌ها و دکترین‌های متفاوتی در عرصه سیاست خارجی طرح و به اجرا گذاشته شده است. در جریان فتنه ۸۸ عملا بازیگران داخلی و خارجی فعال در فتنه کوشیدند دکترین‌هایی را که بیش از همه صبغه انقلابی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌داد و با اصول انقلاب پیوندی تنگاتنگ داشت، زیر سوال برده و آنها را به چالش بکشند. در این میان آنها ۴ دکترین اصلی جمهوری اسلامی را هدف قرار دادند: ۱- صدور انقلاب ۲- ام‌القری ۳- مردم‌سالاری دینی ۴- عدالت‌محور.

۱-۱- صدور انقلاب

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، تحیر همه ناظران سیاسی را برانگیخت؛ نخستین انقلاب مذهبی عصر حاضر که با مختصاتی کاملا متفاوت با دیگر انقلاب‌ها رخ داده بود. بی‌تردید مهم‌ترین وجه ممیزه این انقلاب، اسلامیت و صبغه مذهبی آن بود که این انقلاب را از دیگر انقلاب‌های معاصر متمایز می‌کرد. گفتمان تازه متولد شده انقلابی، عملا به بازتعریف مفاهیم سیاست داخلی و خارجی پرداخت و نشان داد از این قدرت برخوردار است که تبدیل به گفتمانی هژمونیک در منطقه و حتی در سطح جهان شود و گفتمان مسلط جهانی را در فضای دوقطبی حاکم بر نظام بین‌الملل به چالش بکشد، لذا نظام سیاسی جدید نه تنها تلاش کرد گفتمان انقلاب اسلامی را در داخل کشور نهادینه کند بلکه بر آن شد تا گستره آن را فراسوی مرزهای جغرافیایی خود تعریف کرده و ستون‌های گفتمانی خود را بر پایه آن استوار کند.[1]

به واقع با تثبیت انقلاب اسلامی و اقبال گسترده توده‌ها در کشورهای دیگر به ایدئولوژی انقلاب ایران، تئوریسین‌های سیاست خارجی به این نتیجه رسیدند که از بستر موجود برای گسترش انقلاب اسلامی استفاده کنند. همچنین تاکیدات بنیانگذار جمهوری اسلامی بر صدور انقلاب هم به تقویت این گفتمان در عرصه سیاست خارجی ایران کمک می‌کرد، لذا همه این موارد سبب شد دکترین صدور انقلاب به سطح و منزلت یک وظیفه و باید استراتژیک ارتقا پیدا کند که باید علیه همه مناسبات سلطه و نظام‌های استکباری به کار گرفته شود.[2] صدور انقلاب اسلامی ناظر بر تبیین و ترویج افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی از طریق آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی ملت‌های مسلمان و مستضعف جهان است؛ گفتمانی که می‌تواند الهام‌بخش دیگر ملت‌ها برای آزادی و رهایی از ساختارهای سلطه و سرکوب در سطوح داخلی و خارجی قرار گیرد.[3]

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تا زمانی که دولت در اختیار گروه‌های غیرمذهبی قرار داشت، گفتمان صدور انقلاب هنوز به گفتمان غالب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تبدیل نشده بود اما بعد از پیروزی نهایی[4] آرمانگرایان اسلامی بر گروه‌های لیبرال و عناصر غیرمذهبی پس از مناقشه‌ای نسبتا طولانی، گفتمان صدور انقلاب تبدیل به گفتمان غالب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شد. حادثه گروگانگیری و تسخیر سفارت آمریکا در تهران را باید به عنوان نقطه آغاز سیادت نسبی گفتمان آرمانگرایانه و رویکرد صدور انقلاب در مقابل گفتمان واقع‌گرایی دانست. بدین ترتیب گفتمان صدور انقلاب در عرصه سیاست خارجی به مثابه یک گفتمان رقیب نسبت به گفتمان مسلط جهانی معرفی شد. این گفتمان از چند مولفه مهم سود می‌برد که عبارت بودند از ۱- تاکید بر مفهوم امت به جای مفهوم دولت – ملت ۲- اتخاذ سیاست موازنه منفی (عدمی) در قبال ۲ ابرقدرت ۳- صدور انقلاب ۴- انقلاب جهانی مستضعفان.[5]

لذا اهدافی که سیاست خارجی در این سال‌ها دنبال می‌کرد عبارت بود از طرح صدور انقلاب اسلامی، طرح موضوع استکبارستیزی و طرح بیداری ملل مستضعف و بیداری ملل مسلمان جهان بویژه بیداری ملل حاشیه خلیج فارس که به خاطر اشتراکات فرهنگی، مذهبی و حتی تاریخی روی آن تاکید بسیاری می‌شد.[6]

گفتمان صدور انقلاب اسلامی کماکان ادامه داشت تا زمانی که محمد خاتمی به ریاست جمهوری رسید. با تشکیل دولت اصلاحات، لیبرال‌هایی که دولت را در دست گرفته بودند (همانند دوره نخست وزیری مهندس بازرگان) حاضر به اجرای دکترین صدور انقلاب نشدند و به بهانه توسعه سیاسی (پس از مدتی مجددا گفتمان توسعه سیاسی تبدیل به توسعه اقتصادی دوران رفسنجانی شد)[7] و تنش‌زدایی در سیاست خارجی از زیر اجرایی کردن این گفتمان شانه خالی کردند اما در سال ۸۴، با تشکیل دولت اصولگرا مجددا موضوع صدور انقلاب به گفتمانی غالب در سیاست خارجی کشور تبدیل و از جایگاه حاشیه‌ای خود در دوران اصلاحات خارج شد و در همه طول عمر دولت نهم جزو لاینفک سیاست خارجی کشور محسوب می‌شد، هرچند تاکتیک‌های اجرایی شدن دکترین صدور انقلاب در دولت نهم متفاوت شده بود. اساسا الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم ماهیتی مسالمت‌آمیز و فرهنگی داشت که غالبا با ابزارهای قدرت نرم بویژه دیپلماسی عمومی پیگیری و دنبال می‌شد و به معرفی و صدور انقلاب اقدام می‌کرد.

اما پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم و فتنه پس از آن، بازیگران داخلی و خارجی موثر در فتنه درصدد برآمدند به هر نحو ممکن بسترهای موجود در جهان برای ادامه گفتمان صدور انقلاب را از بین ببرند لذا با توجه به اینکه مهم‌ترین وجه دکترین یادشده، وجه اسلامیت آن است، این بعد از جانب تئوریسین‌های داخلی و خارجی فتنه هدف قرار گرفت. دومین مولفه مهم این گفتمان عدم پذیرش مرزهای سیاسی و جغرافیایی موجود و تاکید بر بلاد اسلامی بود که این وجه هم توسط فتنه‌گران بشدت هدف قرار داده شد. به واقع آنها تلاش داشتند با اسلامیت‌زدایی از جمهوری اسلامی و محدود کردن آن درون مرزهای جغرافیایی، دکترین صدور انقلاب را خالی از محتوا کنند. این در حالی است که بدون تصور مولفه اسلامیت و با پذیرش مرزهای سیاسی و جغرافیایی، گفتمان یادشده با خلأ محتوایی جبران‌ناپذیری مواجه می‌شد، لذا بسیاری از تحرکاتی که توسط فتنه‌گران انجام شد در همین چارچوب قابل ارزیابی است. به عنوان نمونه وقایعی نظیر حوادث عاشورای ۸۸ وجه اسلامیت را هدف گرفته بود و حوادثی نظیر روز قدس و شعار «نه غزه، نه لبنان» هم در مقابل مرززدایی انقلاب اسلامی به دنبال مرززایی در جهان اسلام بود.

۱- سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و محمدرضا تاجیک، الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست خارجی ایران، راهبرد شماره بیست و هفتم، بهار ۱۳۸۲، ص ۶۲

۲- همان

۳- سیدجلال دهقانی فیروزآبادی و فیروزه رادفر، الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۸۸، ص ۱۲۸

۴- روح‌الله رمضانی، چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۵۸

۵- همان، ص ۶۷

۶- علیرضا ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، قومس ۱۳۸۱، ص ۱۴

۷- حسین مسعودنیا، جزوه درسی جامعه‌شناسی سیاسی ایران